

ملاحظات

در باره شعار های «احیای» حزب وطن و «احیای» حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۹ جدی ۱۳۸۸ مطابق ۳۰ دسامبر ۲۰۰۹

از چندی بدین سو، برخی حلقات و گروه ها در جهت احیای «خانواده دیروز سیاسی» چپ افغانی به اقدامات معینی دست یازیده اند. اعلامیه ها، فراخوانها، مجالس پالتاکی، دعوت به تجلیل سالگردها و تلاشهایی از این دست، در صفحات سایتها راه یافته اند.

برخی از این اقدامات با حسن نیت و آرزوی دیرین مبارزانی که رؤیای تعلق به یک سازمان انقلابی و خدمتگزار مردم را در سر میپروراند، راه اندازی شده اند. جا دارد چنین رؤیایی را که ریشه در سرگذشت دادخواهانه این رفقا دارد و نشانه یی از هویت انقلابی یک نسل است، ستود، ولی این رؤیا با شعار های میانتهی « احیای حزب دیروزی » برآورده نمیشود. نیروهای اصیل چپ که به آرمانهای سترگ تاریخی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دگر سازمانهای مردمی و فادار مانده اند و در تلاش تداوم مبارزه رهایی دهنده انسان از چنگال ستم و بهره کشی اند، باید به تحلیل واقعیت امروزی بپردازند و بر اساس چنین تحلیلی راه ها و شیوه های مبارزه خود را تعیین بدارند.

بر همه گان آشکار است که رزمنده گان حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، برخاسته از کوچه های فقر شهرها و روستا های بیدادکشیده افغانستان، با شهادتی عظیم در برابر ظلم و ستم قیام کردند. کارنامه های هر کدام آنان ، به ویژه حماسه شهیدان آن گردان رزمنده جاویدانه در حافظه گروهی خلق افغانستان ماندگار خواهند بود. پاسداشت از نامهای تابناک آنان جزیی از وظایف مبارزان امروزیست.

در تبلیغات برای احیای خانواده سیاسی دیروزی ، عمدتاً دو گروه مورد خطاب فراخوانها و شعارها قرار میگیرند:

۱- اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان

۲- اعضای حزب وطن

البته عبارات نامبرده از بار معنایی برخوردار اند یعنی هرکس میفهمد که عضو حزب دموکراتیک خلق افغانستان و عضو حزب وطن چیست، ولی داشتن معنی به معنای دلالت بر یک شیء موجود نیست. «اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان» و «اعضای حزب وطن» مانند «اتباع اتحاد شوروی» وجود خارجی ندارند چون نی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دیگر وجود دارد، نی حزب وطن و نی اتحاد شوروی.

از سوی دیگر، احیای یک سازمان، فروپاشی آن را از قبل مفروض میدارد - هم از نگاه منطقی و هم از نگاه زمانی. ناگزیر باید پذیرفت که حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حزب وطن، وجود خارجی ندارند و دو سازمانی اند که به تاریخ تعلق دارند؛ خطاب کردن به اعضای آنها در امروز نی، بل در «دیروز» صورت میگیرد!

اکثریت اعضای این ساختارهای فروپاشیده هنوز زنده اند و شماری هم به طور انفرادی یا گروهی در حلقات و ساختارهای جدید به فعالیت ادامه میدهند.

پیش کشیدن شعارهای احیای حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حزب وطن، برواقعیت نی بل بر توهم استوار اند، توهمی که از یک سو سرچشمه امیدواریهای بی بنیاد است و از سوی دیگر انرژی و وقت مبارزه را از مسیر اصلی منحرف میسازد. هستند کسانی که در پشت پرده این توهمات را دامن میزنند تا در راه نوسازی چپ افغانی و تشکل آن در یک سازمان بزرگ سنگ اندازی نمایند.

گرایشهای سیاسی امروز، که در هیئت سازمانهای به وجود آمده از بازمانده های ح. د. خ. (حزب وطن) تبلور یافته اند، واقعیتهایی اند که ریشه در زنده گی امروز دارند و چپ اصیل خدمتگزار زحمتکشان افغانستان را از ارتجاع نوین و ناسیونالیزم مبتنی بر «مصلحه ملی» متمایز میسازند. پیوستن بخشی از بقایای حزب دیروزی به نظام کنونی - که دیگر حتی باعث شرمساری حامیان آن است - و از سرگیری مشی «مصلحه ملی» - که یک مرحله تاکتیکی در پراتیک سیاسی حزب -

دولت جهت استقرار صلح و حفظ دستاوردهای حاکمیت دموکراتیک حزب بود - پدیده هایی اند که با سرشت انقلابی، جهانبینی و خصلت طبقاتی حزب دموکراتیک خلق از بنیاد منافات دارند. تعلقات دیروزی در یک سازمان واحد به هیچ وجه نباید بهانه و دستاویزی شود برای برائت دادن برخی رهبران دیروزی آن سازمان، توجیه انحرافهای امروزی و فراخواندن رفقای دیروزی به تجمع دوباره در یک «سازمان خیالی»! مبارزه نی تنها با ارتجاع حاکم و حامیان خارجی آن شدت گرفته است، بل در درون بازمانده های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دیگر سازمانهای دیروز چپ، به مراحل نهایی انفکاک خود رسیده است. کدام مبارز و رفیق دیروز که هنوز هم به آرمانهای مرام دموکراتیک خلق افغانستان، جهانبینی علمی و داعیه روشن دفاع از طبقات زحمتکش جامعه وفادار مانده است، میتواند خود را در آئینه «ارتجاع نوین» یا نیوناسیونالیزم «وطنی» باز شناسد؟ هر کسی که با آن هویت شفاف، زنده گی و مبارزه کرده است، به یقین در سنگر چپ راستین افغانی که درفش دفاع از انسان زحمتکش را برافراشته نگهداشته است، زانو میزند. پیوستن تعداد زیادی از رفقای دیروز به نهضت آینده افغانستان از پی افتضاح انتخابات ریاست جمهوری، گواه این حقیقت است که این سنگر روز به روز مستحکم تر شده میرود و سازمانهای ممثل این سنگر به یقین در اتحادیه پویایی با هم متحد خواهند شد.

تلاشهای اغوا گرانه یی که زیر نام «منافع ملی» میخواهند در راه تشکل چپ واقعی افغانی سنگ اندازی کنند، محکوم به شکست اند زیرا رفقا روز تا روز برماهیت راستین انحرافها و سوء قصدها وقوف پیدا میکنند.

نهضت آینده افغانستان [طرح اتحادیه احزاب چپ، مترقی و میهنی](#) را به حیث اولین اقدام در راه ایجاد یک حزب بزرگ مردمی پیش کشید که خوشبختانه در سازمانهایی که خود را متعلق به چپ افغانی میدانند، مورد بحث جدی قرار گرفته است.

دستیابی به این «اتحادیه» یگانه راه عملی برای برون کردن جنبش چپ دموکراتیک از وضعیت کنونیست. باید با تکیه بر واقعیتهای امروزی به سوی فردا ها نگریست، نه این که با برخوردی هجرانی به دیروز جنبش برگشت!

مخاطب ما رفقای اند که آرزومند ایجاد یک حزب متعلق به دنیای کار اند. ما از آنها دعوت مینماییم تا به مواضع نهضت آینده افغانستان پیوندند و در امر تسریع روند ایجاد اتحادیه سازمانهای چپ، دموکراتیک و میهنی همه جانبه تلاش ورزند.

هیئت اجراییه نهضت آینده افغانستان

www.ayenda.org